

خبر

ارمغان تاریک مدرگرایی برای نسل جدید

سپهرغرب، گروه اجتماعی؛ پیش از یک دهه است لباس‌هایی وارد بازار مد و پوشاک شده‌اند که هیچ سختی‌ی با فرهنگ و آموزه‌های دینی ما ندارند. شلوارهایی که از چند ناحیه پاره هستند و بدن را نمایان می‌کنند و امروز به مدد مدهای مختلف که غالب آن‌ها برگرفته از فرهنگ و الگوی غربی است، می‌توان شاهد لباس‌هایی با مدل‌ها، مارک‌ها و کلماتی بیگانه و مفاهیم نامتعارف بود که بسیاری از همین جوان‌ها حتی معنا و مفهوم آن‌ها را نمی‌دانند اما از آن استفاده می‌کنند.

لباس‌هایی که کم‌کم به انتخاب اول جوانان و نوجوانان تبدیل شده است. مدل‌های عجیب‌وغریبی که بسیاری ازجامعه‌شناسان علت گرایش جوانان به آن‌ها را تفکر در متمایزشدن از جامعه می‌دانند. اما مصداق متفاوت‌بودن گاهی با ناهنجار جلوه‌کردن یا خودنمایی‌های زننده و پیروی از مدل‌ها و الگوهای نامتعارف همراه می‌شود و به جای این‌که شخص آراسته و زیبا شود، زننده به نظر می‌رسد. مد و مدرگرایی پدیده دنیای مدرن است، هرچند مد در تمدن‌های بزرگ ودرتمام اعصار نشانه‌هایی از آن دیده شده و علاقه انسان به متفاوت و نو بودن از میل به تغییر پدید می‌آید اما این تعریف هم‌اکنون در جامعه ما و میان جوانان شکلی تقلیدی و گاه غیرمتعارف شده است. این موضوع باعث شده تا جوانان و نوجوانان به رفتارها وهنجارهای متضاد با ارزش‌های جامعه روی آورند. به‌هرحال یک مد رفتار اجتماعی است و در جایی خطرناک می‌شود که شکلی افراطی به خود‌بگیرد. این موضوع تاجایی پیش می‌رود که حس تنوع‌طلبی توأم با گرایش به خودنمایی را در محیط‌های مختلف از خود نشان دهد. شاید امروز مد و مدرگرایی نه‌تنها در نوع پوشش جوانان، بلکه در بخش‌های مختلفی از زندگی آن‌ها تأثیرگذار بوده و تبدیل به دغدغه اصلی شده است. اما حالا سؤال این‌جاست که آیا تعارضی بین زیبایی و مدرگرایی وجود دارد؟

- مدرگرایی جوانان، نظام هویتی**

فراگه در مورد نسل جوان صحبت می‌کنیم باید بدانیم که فرد در این دوران گرایش زیادی به استقلال در رفتار، اندیشیدن، سبک‌زندگی و حتی نوع پوشش خود دارد.

دکتر فاطمه موسوی‌ویایه، جامعه‌شناس مسائل اجتماعی با اشاره به استفاده جوانان از مد برای نشان دادن استقلال نیز می‌گوید: «در همه کشورهای توسعه‌یافته، مد مخصوصاً در بین جوانان شیوای برای نشان‌دادن سلیقه، استقلال و حتی به نوعی مقاومت در برابر فرهنگ والدین‌شان به‌شمار می‌رود. یعنی آن‌ها با استفاده از مد می‌خواهند نشان دهند که ما متفاوت از پدر و مادرمان فکر می‌کنیم و سلیاق و علایق مختلفی داریم. به‌صورت کلی جوان به دنبال تغییرات و نوآوری‌ها در هویتی متفاوتی را برای خود رقم می‌زند.» بنابراین جوان برای اینکه بتواند این استقلال را به اطرافیان خود نشان دهد و اگر راه‌های بروز استعدا‌ش انسداد یافته باشد به مد روی می‌آورد.

- نقش والدین در مواجهه با مدهای نامتعارف**

درگذشته جوانان از نحوه گفتار و رفتار گرفته تا پوشش، تحت تأثیر مستقیم والدین بودند؛ اما امروزه این‌گونه نیست. موسوی‌ویایه هم بر این باور است که دقیقاً این نسل از لباس‌ها و مدهایی بهره می‌برد که والدین و حتی اطرافیان‌شان آن‌ها را زشت می‌پندارند و درحقیقت با لباس پوشیدن خود می‌خواهند یک سبک‌زندگی و الگوی هویتی متفاوتی را نشان دهند.

با این حال مد هرچه باشد، خوب می‌باشد، نکته مهم شیوه برخورد با آن است و در تأیید یا رد آن نباید افراطی یا احساسی برخورد کرد و به‌نظر می‌رسد که نقش والدین در این خصوص و نوع مواجهه آنان نیز دارای اهمیت است.

این جامعه‌شناس هم دراین‌باره عنوان می‌کند: ما به‌عنوان یک والد نمی‌توانیم سلیاق خودمان را به نسل جدید تحمیل کنیم؛ اما واقعیت این است که هرچه والدین در این خصوص حساس‌تر شوند وسعتیگری بیشتری داشته باشند، اصرار و جوان و نوجوان برای نشان‌دادن استقلال و بزرگ‌شدن با استفاده از مد بیشتر می‌شود.

سپهرغرب، گروه اجتماعی – طاهره ترابی‌مهوش: در گفت‌وگو با اساتید مرتبط با حوزه آموزش و جامعه‌شناسی مشخص شد؛ فرهنگ اصیل استاد– شاگردی طرحی جامع، در مسیر ایجاد روحیه اشتغال در بین نوجوانان و جوانان امروز به‌شمار می‌رود که مورد غفلت قرار گرفته است.

جوانان در گذشته در حوزه حرفه و فن با انتقال فکر و پیشه آموزش می‌دیدند. حوزه مذکور متأثر از نظام استاد– شاگردی بود. حال آنکه این امر خود زمینه‌ساز آن بود که جوانان در این عرصه زندگی و پختگی را تجربه می‌کردند. به دیگر سخن زندگی خانوادگی، کاری و تفریح از یک وحدت نسبی برخوردار و خانواده به چنین نظام و فرآیندی امیدوار بود، بنابراین با اینکه متعاقب انقلاب صنعتی در غرب نظام استاد– شاگردی متحول شد و آموزش در طول یک عمر به مرحله‌های کوتاه‌مدت تغییر یافت ولی در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران بین تحول ماشینی، صنعت پیشه‌وری و نظام آموزشی آن ارتباط منطقی به‌وجود نیامد و این ناهمخوانی باعث سردرگمی و عدم اعتماد خانواده‌ها به حرفه و فن شد.

به دیگر سخن تقدیرگرایی و عدم توجه به عقلانیت در نگرش چند دهه اخیر از سوی خانواده‌ها جوانان را دربارۀ کار و حرفه بیشتر با ابهام مواجه کرد.

البته خالی از لطف نیست که بدانیم طی این چند دهه برخی طرح‌ها نیز در حوزه مهارت‌آموزی مطرح و تا حدی نیز اجرا شده اما به دلایل نامعلوم شاهد نیمه‌کاره باقی ماندن آن بودیم؛ به‌عنوان مثال طرح «کاد» یا طرح «کار و دانش»؛ پروژه‌ای در نظام قدیم آموزشی ایران که در دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ در دبیرستان‌های ایران به اجرا درآمد و در آن دانش‌آموزان دبیرستانی در هر هفته یک روز را برای کاروری در یکی از مراکز صنعتی و آموزشی طی می‌کردند. به طوری که بیشتر محصلان پسر در کارگاه‌های نجاری، تراشکاری، مکانیکی، کابینت‌سازی، قطعه‌سازی، داروخانه‌ها و غیره مشغول به کار می‌شدند و دختران نیز در مدارس خود دوره‌های خیاطی، بافنی و کمک‌های اولیه را طی می‌کردند اما با شروع دولت ششم جمهوری اسلامی ایران و تصدی محمدعلی نجفی بر وزارت آموزش و پرورش، نظام جدید آموزش متوسطه روی کار آمد و پایه چهارم دبیرستان حذف و طرح کاد نیز در سال ۱۳۷۳ کنار گذاشته شد.

مسئله این است که امروز ما در جامعه با

دست‌آورد نیم‌نمره‌ای!

سپهرغرب، گروه اجتماعی؛ هرچند که چند سالی است نمرات امتحان نهایی دانش‌آموزان چنگی

به دل نمی‌زند و کارشناسان آموزش‌وپرورش آن را رزنگ خطر «بی‌رغبتی مفراط دانش‌آموزان به درس خواندن» می‌دانند اما چند روز پیش مراد صحرایی، وزیر سابق آموزش‌وپرورش با استناد به نتایج امسال از بهبود این وضعیت با افزایش ۵/۵ درصد معدل دبیرستانی‌ها در امتحانات نهایی خبر داد و دستپایی به این آمار و ارقام را انتقالی نیز سابقه در تاریخ این وزارتخانه اعلام کرد؛ موضوعی که هامون سیطی، عضو دیدبان شفافیت و عدالت آن را باعث تأسف و نمودی از وضعیت اسفناک این وزارتخانه خواند؛

پیش از اعلام نتایج سال۱۴۰۱، بررسی کارشناسان از نمرات امتحانات نهایی دانش‌آموزان دربراه زمانی سال ۹۵ تا ۱۴۰۲ وضعیت مناسبی از عملکرد دانش‌آموزان را به تصویر نمی‌کشید و اگرچه هر سال میانگین این نمرات با درصدی کاهش یا افزایش نسبت به سال قبل نوسان داشت اما با وجود این تغییرات همچنان میانگین نمرات بین ۱۱ تا ۱۲ در چرخش بود. سال جاری اما بنابر ادعای وزیر سابق آموزش‌وپرورش این روند رو به بهبود رفته و معدل دانش‌آموزان در مجموع سه رشته تجربی، ریاضی‌فیزیک و علوم انسانی، از ۱۰/۳۳ به ۱۰/۸۹ رسیده که اگرچه در ظاهر ارتقای ۵/۵درسه رشته را نشان می‌دهد اما نحوه

مدرک، نان می‌آورد؟

اعلام‌شده «در مجموع ۹۰ درصد دانشجویان بعد از فارغ‌التحصیلی با دنبال شغلی نمی‌گردند یا شغلی مرتبط با رشته خود ندارند و ۱۰ درصد باقیمانده کارآفرین هستند یا با رشته تحصیلی مرتبط فعالیت دارند.»

خلاصه‌اش این‌که نیمی از دانشگاهی‌ها (ازجمله ۵۰۰ نفر با مدرک دکتری) بیکار هستند، ۶۰ درصدشان رشته تحصیلی‌شان را تحلیل بهتری برای طرح موضوع برخوردار شویم. همین چند روز پیش از سوی مسئولان اعلام شد که «۶۰ درصد از فارغ‌التحصیلان از رشته دانشگاهی خود رضایت ندارند.» جدیدترین آمار درباره میزان بیکاری فارغ‌التحصیلان در ایران هم نشان می‌دهد ۴۳ درصد آن‌ها با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی جایی در بازار کار ندارند، چیزی نزدیک به نیمی از جمعیت بیکار ایران. شاید جالب‌ترین نمونه آماری، مربوط به بی‌ارتباطی رشته دانشگاه و کار باشد. آن‌طور که

اجتماعی

- چهارشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۳**
- سال هفدهم - شماره ۲۹۳۱**

فرهنگ استاد– شاگردی طرحی جامع اما مغفول در ایجاد روحیه اشتغال

می‌شود در بیاموزد نه اینکه وابسته به یک مربی باشد.

این دانش‌آموخته آموزش با تأکید بر اینکه با این رویکرد آنچه می‌آموزد جزو وجودی او خواهد شد، اذعان کرد: بدین ترتیب در فرد شاهد به‌وجود آمدن شور یادگیری خواهیم بود.

ذاکری با عنوان اینکه به‌نظر می‌رسد امروزه باید به نحوه یادگیری نوین در نظام‌های آموزشی موجود در دنیا رجوع کرد، افزود: آنچه مسلم است اینکه امروز روحیه استاد– شاگردی در جامعه ایران رنگ باخته اما باید به این نکته توجه کرد که در این فرهنگ به معنای واقعی یادگیری در عمل اتفاق می‌افتاد.

دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی نیز با بیان اینکه فرهنگ استاد– شاگردی در تقویت روحیه کار و تلاش در بین نسل جوان و نوجوان از گذشته دور در فرهنگ اصیل ایرانی از اهمیت بالایی برخوردار بوده، اذعان کرد: آنچه امروز در صنایع ظرفی همچون خاتم‌کاری، سفالگری و گچبری‌های زیبا در شهرها شاهد هستیم مرهون همین فضای استاد– شاگردی است.

استاد امیر شیخ‌زادگان با تأکید بر اینکه میزان بهره‌وری در کار از طریق به‌کارگیری این فرهنگ بسیار بالا بوده، اذعان کرد: البته در این بین می‌توان اشکالاتی هم در این فرایند اشاره کرد اما در خصوص استاد– شاگری موضوع پرورش فرد نیز مد نظر قرار می‌گرفت؛ یعنی افراد حین یادگیری حرفه، اخلاق و منش مرتبط با آن را نیز می‌آموختند.

وی با ابراز اینکه آموزش در استاد– شاگردی نوعی آموزش شخصی به‌حساب می‌آید، اذعان کرد: یعنی در این روش استاد همواره توانایی شاگرد را مورد توجه قرار داده و روش تدریس خود را منطبق با توانمندی فردی او سازگار می‌کرد.

این جامعه‌شناس با بیان اینکه در بسیاری از موارد شاهد آن بودیم که حتی استاد و شاگرد با یکدیگر زندگی می‌کردند، گفت: بر این اساس می‌تواند این فرهنگ را به نوعی با آنچه امروز از آن به‌عنوان آموزش جامع یاد می‌شود همخوان قلمداد کرد.

شیخ‌زاگان با اشاره به نکته منفی موجود در فرهنگ استاد– شاگردی، اذعان کرد: برای این رابطه شاید بتوان رابطه استثمارگونه را بیان کرد؛ زیرا مشهور است که در گذشته خانواده‌ها وقتی فرزندان را به استاد می‌سپردند عنوان می‌کردند که فرزندش را به نوعی با آنچه امروز از به شما و گوشت او آزان ماست.

وجود سازمان اجتماعی مدافع حقوق کودکان موضوعی همچون فرهنگ استاد– شاگردی با آن شرایط قبل حاکم بر این فرهنگ زیر سؤال می‌رود. دکتر محمدصادق ذاکری با تأکید بر اینکه مسئله مهم در رنگ باختن فرهنگ کار و تلاش در جامعه امروزی همدان به مغفول ماندن مهارت آموزشی در ساختار آموزشی بازمی‌گردد، تشریح کرد: در واقع مهم‌ترین مشکل ما این است که در آموزش نوین به آموختن فن و مهارت توجه نکرده و منطبق با گذار جامعه از فرهنگ استاد و شاگردی بر اثر تحولات اجتماعی عملاً این مهارت‌آموزی در جامعه رنگ باخته است.

وی با اشاره به اینکه بنده خود را شاگرد علم یادگیری می‌دانم، اذعان کرد: آنچه مسلم است اینکه اگر آموزش فنون و مهارت‌ها در عمل صورت پذیرد کارایی بسیار بالایی را نسبت به آموزش چندانی نمی‌شود، گفت؛ این ارزشمندی از نهاد خانواده و سپس آموزش و پرورش آغاز شده ودر جامعه تبلور پیدا می‌کند.

در ادامه عضو هیئت‌مدیره انجمن ایرانی تعلیم و تربیت نیز با اشاره به الزامات تقویت روحیه کار و تلاش در نسل جدید گفت: آنچه مسلم است اینکه امروز نمی‌توان با اتکا صرف به فرهنگ استاد– شاگردی انتظار داشت که روحیه کار و تلاش در بین نسل جدید تقویت شود، مسئله این است که در دوره مدرنیته با توجه به

خودکرده بود. درهرحال امتحانات نهایی با تمام فرازوفرودهایش به ایستگاه پایانی خود رسید و نمرات آن نیز اعلام شد. اگرچه به نظر می‌رسد مسئولان سابق وزارت آموزش‌وپرورش از نتایج امسال خرسند هستند اما این ماجرا روی دیگری هم دارد.

- آمارهای انحرافی!**

نتایج نمرات امتحانات نهایی به‌عنوان یکی از شاخص‌نمرا برای بررسی عملکرد و کیفیت آموزش‌وپرورش کشور شناخته می‌شود و نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی به همراه عملکرد دانش‌آموزان ایرانی در نتایج آزمون‌های بین‌المللی وضعیت کیفیت در آموزش و پرورش را نشان می‌دهد.

بر همین اساس هامون سیطی، عضو دیدبان شفافیت و عدالت با اشاره به افزایش ۵/۵ میانگین نمرات دانش‌آموزان در س‌ال۱۴۰۲ تلقی وزیرسابق آموزش‌وپرورش به‌عنوان پیشرفت از آن، می‌گوید: اگر افزایش کسری از درصد به میانگین معدل دانش‌آموزان یک موفقیت به‌حساب می‌آید و این نزدیک به قله به معنای معدل ۱۰ است حتماً خود قله می‌شود معدل ۱۱! وی می‌افزاید: آموزش‌وپرورش در این چند سال اخیر آسیب بسیاری دیده و قانون‌گذاری در مورد آن از نمایندگان مردم تا حدودی سلب و به شوراهایی سپرده شده که به مطالبات مردم پاسخگو نیستند.

وی ادامه می‌دهد: وضعیت آموزش‌وپرورش بسیار اسفناک است و اگر در دوره جدید نیز

به همین شیوه ادامه پیدا‌کند تا ۲–۳ سال آینده در دو طیف کم‌برخوردار و برخوردار دیگر آموزش‌وپرورش رسمی کشور را موضوع اصلی زندگی جوانان و نوجوانان نمی‌دانند و به راه‌های دیگری برای ساختن آینده فرزندان‌شان روی می‌آورند.

عضو دیدبان عدالت و شفافیت با وخیم دانستن وضعیت آموزش‌وپرورش می‌گوید: وقتی در مورد میانگین نمرات را قبولی نه وضعیت مطلوب دانش‌آموزان صحبت می‌کنیم و میانگین ۱۰ است این نشانه آن است که بسیار در رساندن دانش‌آموزان به وضعیت مطلوب ناتوان هستیم، چراکه اصلاً صحبت‌کردن زیر ۲/۵ درصد کم و زیاد شدن این میانگین‌ها فقط منحرف کردن افکار عمومی یا مسئولان بلندپایه است و هیچ ارزشی ندارد. آنچه روشن است این که دانش‌آموزانی که حاصل این ۱۲ سال آموزش‌وپرورش هستند نه در آزمون‌های داخلی موفق هستند و نه در آزمون‌های بین‌المللی. وقتی درهیچ عرصه علمی ما موفق حاضر نمی‌شویم بحث کردن در مورد این میانگین‌ها بی‌فایده است.

- بهبود افت تحصیلی دانش‌آموزان با تغییر محتوای کتب درسی**

علی امرایی، عضو دیدبان عدالت و شفافیت نیز در رابطه با تأثیر امتحانات‌نهایی بر آینده دانش‌آموزان می‌گوید: از سال۱۴۰۰ با تصویب مصوبه تأثیر قطعی امتحانات نهایی بر کنکور، دانش‌آموزان و اولیای بسیاری نسبت به این

بوده است. یعنی به‌ازای هر ۱۰۰۰ نفری که در جمعیت فعال اقتصادی کشور وارد شده‌اند،

۲۸۵ نفر فارغ‌التحصیل دانشگاهی از فوق‌دپلم تا دکتری بوده‌اند.